

نقدی بر کتاب فلسفه کتابداری و اطلاع‌رسانی*

• دکتر علی جلالی دیزجی

دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی و مدیر گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه علامه طباطبائی

چندین دهه عمر رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران، برای متخصصان و صاحبان حرفه و به‌ویژه دانشجویانی که برای تحصیل وارد این حوزه می‌شوند و همچنین گروهی از جامعه، سؤال‌هایی درباره ماهیت و کارکرد رشته، مشابه وضع آن در خارج از کشور، مطرح بوده است. از سوی دیگر صاحب‌نظران رشته باور دارند که تعداد نویسندگانی که پرسش از اصول و مبانی نظری رشته را وجهه همت خود قرار داده‌اند، انگشت‌شمار و آثار منتشرشده به زبان فارسی در این زمینه اندک و ناچیز است (حری، ۱۳۸۶، ص ۵۶؛ عقیلی، ۱۳۸۶، ص ۵۷).

دیدگاه و حاصل تجربه طولانی دکتر عباس حری درباره این جنبه پراهمیت رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی در سخنرانی پایانی مراسم بزرگداشت خود در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی اینگونه بیان شد که هر رشته‌ای برای کسب اعتبار علمی ناچار از ارائه نظریه بوده است و تا زمانی که به نظریه‌پردازی نپرداخته، جایگاه و اعتبار علمی لازم را در اجتماع و دایره علوم کسب نکرده است. شک و پرسش درباره خودشناسی علمی و حرفه‌ای و بازنگری در خویش نتیجه و برآیند طرح مباحث نظری و رسیدن به نوعی وحدت از دل کثرت آرا و نظرات در کتابداری و اطلاع‌رسانی است و چیستی این رشته را برای خود و درباره سایر حوزه‌های علمی بازگو می‌کند.



■ رها دوست، بهار (فاطمه). فلسفه کتابداری و اطلاع‌رسانی، تهران: کتابدار، ۱۳۸۶، ۶+۵۰ ص. شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۱۴۳-۶۸-۴

رشته‌های مختلف علمی به‌منظور تبیین مبانی و تثبیت جایگاه و اعتبار علمی و اجتماعی خویش و نیز پاسخ‌گویی به پرسش‌های موجود درباره رشته همواره برای تدوین چارچوبی نظری تلاش کرده‌اند. تجربه فعالیت حرفه‌ای و تدریس نگارنده این یادداشت نشان می‌دهد که در طول

* با توجه به اهمیت کتاب «فلسفه کتابداری و اطلاع‌رسانی» و کمبود منابع نظری در این خصوص، دو نقد در خصوص کتاب حاضر دریافت کردیم که در ادامه هم و تحت یک عنوان برای استفاده خوانندگان نشریه درج می‌شود و در نوشته آقای دکتر منصوریان، بخش معرفی کتاب، با توجه به درج شدن آن در نقد اول حذف شده است. کتاب حاضر برنده جایزه چهارمین دوره کتاب فصل شده است.



مؤلف کتاب از معدود افراد صاحب‌نظر رشته است که آثار متعددی در زمینه روش تحقیق، سازماندهی اطلاعات پزشکی و مباحث نظری و فلسفی است و بیش از ۱۳ مقاله در مباحث نظری و فلسفی کتابداری و اطلاع‌رسانی منتشر کرده است

فلسفه به مفهوم تأمل، تفکر، اندیشه و بازاندیشی است که به شناخت و معرفت می‌انجامد و به دلیل همین ژرف‌اندیشی دارای دو وجه برجسته و مهم است. فلسفه از سویی به علت باریک‌بینی، غور و تفحص در مسائل در عین استفاده از منطق برای استنباط، ادراک و ارتباط اجزا در بافت کلی و نیز آگاهی‌بخشی، دانش‌افزایی و معرفت‌شناختی، علمی پرسش‌آفرین، برانگیزاننده، آفریننده و لذت‌بخش است. وجه دوم آن باز بنا به دلایل و ویژگی‌های اشاره‌شده، نیاز به صرف وقت، دقت نظر همراه با دشواری درک و فهم، بحث‌انگیزی و در مواردی کسالت‌آوری است. وسعت و پیچیدگی زندگی شهری، گرفتاری‌های شخصی، حرفه‌ای، و اجتماعی و ارزش‌های حاکم مجال مطالعات نظری و فلسفی با وجوه یادشده را سلب یا به حداقل می‌رساند و به قول دکتر مهدی محقق - در یکی از سخنرانی‌ها - باید هر فرصتی را مغتنم شمرد و از آن بهره برد. این موضوع خود انگیزه اصلی برای نقد و بررسی کتاب فلسفه کتابداری و اطلاع‌رسانی بود تا فرصتی برای بازبینی، بازاندیشی و بازآموزی، تجدیدنظر و تعامل را برای نگارنده این یادداشت فراهم ساخته و با معرفی اثر به شناخت و استفاده مخاطبان اثر کمک کند.

سرفصل‌های پانزده‌گانه کتاب در دو بخش اصلی تنظیم شده‌اند. بخش نخست «چیستی‌ها و چگونگی‌ها» و بخش دوم «چرایی‌ها» است. مقدمه (معرفی پژوهش)، تاریخ کتابخانه‌ها، تاریخ حرفه کتابداری، تاریخ علم کتابداری، تاریخ علم اطلاع‌رسانی و دورنمای نظری کتابداری و اطلاع‌رسانی فصل‌های شش‌گانه بخش نخست را تشکیل می‌دهند. فلسفه و اهمیت آن، فلسفه علم، کتابداری و اطلاع‌رسانی در آینده (۱)، کتابداری و اطلاع‌رسانی در آینده (۲)، از تعریف تا فلسفه کتابداری و اطلاع‌رسانی، از تأثیرپذیری تا تعامل، عوامل تأثیرگذاری بر کتابداری و اطلاع‌رسانی: تعامل - تعارض -



مؤلف کتاب از معدود افراد صاحب‌نظر رشته است که آثار متعددی در زمینه روش تحقیق، سازماندهی اطلاعات پزشکی و مباحث نظری

کتاب در عین حال که
فلسفهٔ علمی مورد حمایت
خود را بیان می‌دارد، دارای
ویژگی برجسته در پرداختن
به همهٔ نظرات و نگرش‌ها
و رعایت بی‌طرفی و اعتدال
در بررسی نظرات و عدم
جانبداری از نظری خاص
هم است

جدایی‌ناپذیری، جدایی‌ناپذیری کتابداری و اطلاع‌رسانی، و از کثرت به وحدت عناوین فصل‌های نه‌گانهٔ بخش دوم است.

علاقه‌مندان به مطالعات نظری و فلسفی، آموزش‌دهندگان و پژوهشگران، به‌ویژه دانشجویان رشتهٔ کتابداری و اطلاع‌رسانی و تمام کسانی که پرسش‌هایی دربارهٔ ماهیت و کارکرد رشته و رابطهٔ آن با سایر حوزه‌های علمی دارند، مخاطبان این اثر محسوب می‌شوند و می‌توانند از مطالعهٔ آن سود ببرند و با تاریخ کتابخانه، کتابداری و اطلاع‌رسانی، فلسفه، مفاهیم، اصول و مباحث نظری، اهداف و کارکردهای رشته آشنا شده و با مروری بر مطالعات حوزه، رابطهٔ آن را با حوزه‌های علمی دیگر دریابند.

موضوع قابل‌تأملی که یادآوری آن لازم می‌نماید، عمل‌گرایی بیشتر در رشتهٔ کتابداری و اطلاع‌رسانی است که در بخش‌های مختلف اثر قابل‌دستیابی است و این خود شاید صرف‌نظر از چاره‌جویی‌های مطرح در کتاب، به مقدار قابل‌اعتنایی به فقدان و کمبود فرصت برای پرداختن به مباحث نظری و فلسفی مربوط می‌شود و بیشتر نویسندگان پرداختن به مباحث عملی را سهل‌الوصول‌تر و ساده‌تر می‌پندارند. از این منظر نیز تدوین و تهیه و همچنین مطالعهٔ کتاب‌هایی از این نوع بسیار سودمند، حائز اهمیت و مغتنم است. به‌ویژه آنکه نویسندهٔ کتاب با طرح مباحث تاریخی توانسته است به‌صورت تلویحی قدرت علم، پویایی و جریان دائمی آن و اهمیت تاریخی میراث و آرمان‌های معنوی بشر را در ورای ارزش‌های مادی به‌تصویر کشیده و حتی استفاده از قدرت و توانایی علمی برای دستیابی به آرمان‌های مادی را به‌خوبی بازگو کند.

نقاط قوت

مروری گذرا به آثار نظری منتشرشده در حوزهٔ کتابداری و اطلاع‌رسانی و مقایسهٔ آن با کتاب فلسفهٔ کتابداری و اطلاع‌رسانی خود بیانگر ارزش علمی و محتوایی کتاب حاضر نسبت به آثار بارز و مشابه فارسی است. زیرا حداقل دارای چند ویژگی برجسته و بی‌بدیل است. نخستین ویژگی، نگارش اثر برپایهٔ پژوهش و مبتنی بر روش پژوهش تاریخی از نوع کیفی با رویکرد تحلیلی است که در کمتر اثر فارسی رشتهٔ کتابداری و اطلاع‌رسانی

می‌توان سراغ گرفت. این شیوهٔ کار، کتاب را از آثاری که به گردآوری صرف اطلاعات و توصیف می‌پردازند، متمایز می‌سازد. ویژگی دوم کتاب تألیفی بودن آن است. بیشتر کتاب‌های موجود به زبان فارسی در این زمینه از زبان‌های دیگر به‌ویژه زبان انگلیسی ترجمه شده‌اند. کتاب‌های ترجمه‌شده از زبان‌های دیگر صرف‌نظر از دشواری در سبک نگارش، عموماً دیدگاه‌ها، نظریه‌ها و مسائل و مشکلات کاربردی مربوط به حرفه و محل زندگی نویسندهٔ اصلی را منعکس می‌سازند و فاقد اطلاعات بومی لازم هستند و از این‌رو نمی‌توانند در مسائل و چالش‌های محلی راهگشا باشند. اما کتاب حاضر در عین توضیح وضع جهانی، روند تاریخی رشد رشته در ایران را نیز بررسی می‌کند. مزیت دیگر اثر جامعیت آن در بررسی دیدگاه‌ها و نظریات مختلف موجود و مربوط به الگوهای علمی حاکم در دوره‌های متفاوت سیر تحول تاریخی رشتهٔ کتابداری و اطلاع‌رسانی به‌دلیل روش خاص پژوهشی آن است و مؤلف کتاب با مطالعهٔ منابع عمدهٔ رشته توانسته است نظریات و رویکردهای متفاوت فلسفی حاکم بر رشته را استخراج و یکجا عرضه کند که در قیاس با سایر آثار که عموماً به طرح و بررسی یک یا دو نظریه و دیدگاه یا مفاهیم محدودی می‌پردازند، دارای جامعیت بیشتری است. از سوی دیگر، نویسندهٔ کتاب با تکیه بر همین ویژگی توانسته است چکیده‌ای از فلسفهٔ کتابداری و اطلاع‌رسانی را از طریق مرور منابع مختلف و مهم رشته در داخل و خارج عرضه کند و بدین شکل با ارائهٔ چارچوب اصلی تاریخ و فلسفهٔ رشته، بخشی از نیازهای مخاطبان را برآورد و آنها را تا حدودی از مطالعهٔ اصل متون بی‌نیاز سازد و برای علاقه‌مندان به مطالعه، آموزش و پژوهش هم راهنمایی قابل‌اعتنا و هدایت‌کننده قلمداد شود.

سه ویژگی یادشده موجب شده است که مؤلف در بررسی عالمانهٔ مبانی نظری و فلسفهٔ رشتهٔ کتابداری و اطلاع‌رسانی تلاش موفقی داشته باشد و ساختار منطقی و مناسبی نیز برای مباحث مطرح در کتاب طرح‌ریزی کند. به‌علاوه، وی کوشیده است که در به‌کارگرفتن مفاهیم دقت‌نظر موشکافانه‌ای داشته باشد و از این رهگذر الگو و سرمشق ارزنده‌ای را پیش‌پای متخصصان و کارکنان حرفهٔ کتابداری و اطلاع‌رسانی و به‌ویژه آنهایی که در داخل کشور به‌تازگی وارد حرفه شده‌اند،



در قیاس با فرهنگ و تمدن غربی، به فرهنگ و تمدن ایرانی و نقش مفاخر و آثار آنها در تمدن جهانی کمتر پرداخته شده است از آنجاکه کتاب به زبان فارسی و برای استفاده ایرانیان انتشار یافته است، انتظار می‌رود در چنین اثری به این موضوع بیشتر بها داده شود

آنجاکه کتاب به زبان فارسی و برای استفاده ایرانیان انتشار یافته است، انتظار می‌رود در چنین اثری به این موضوع بیشتر بها داده شود.

۲. مفهومی از واژه «حرفه» در صفحه ۶۷ بیان شده است که در آن گویی نویسنده داشتن مدرک دانشگاهی را از شرایط و لوازم حرفه نمی‌داند. حال آنکه در سایر متون داشتن تحصیلات دانشگاهی را یکی از شرایط احراز حرفه‌ای بودن در نظر گرفته‌اند (بنی اقبال، ۱۳۸۵، ص ۱). چنانکه خود مؤلف نیز در همین صفحه در بخش «ویژگی‌های حرفه» به تحصیلات دانشگاهی به‌عنوان یکی از ویژگی‌های حرفه اشاره می‌کند.

۳. اگرچه کتاب در زمینه فلسفه کتابداری و اطلاع‌رسانی نوشته شده است و اصولاً مباحث نظری و فلسفی این حوزه علمی را تشریح و تحلیل می‌کند و بدیهی است که مباحث نظری و فلسفی هر رشته علمی و به‌تبع آن کتابداری و اطلاع‌رسانی از مباحث دشوار محسوب می‌شوند، به‌نظر می‌رسد که این اثر به‌منظور مطالعه و درک مطالب آن از سوی مخاطبان مورد انتظار کتاب و به‌طور اخص دانشجویان این رشته نوشته شده است. از این‌رو لازم می‌نمود که محتوای اثر از نظر نگارشی به‌شکلی تدوین گردد که مباحث کتاب را به زبانی نسبتاً ساده بازگو کند تا فهم تاریخ، مفاهیم، نظریات، اصول و قوانین و مسائل و رخدادهای آن به‌سهولت صورت پذیرد. به‌نظر می‌رسد که مؤلف در این باب چندان موفق عمل نکرده است و گاهی واژه‌ها و

قرار دهد و بدین ترتیب به گسترش نظم، باریک‌بینی، دقت‌نظر، اندیشه، نقد و تعامل در درون رشته کمک کند. کتاب در عین حال که فلسفه علمی مورد حمایت خود را بیان می‌دارد، دارای ویژگی برجسته در پرداختن به همه نظرات و نگرش‌ها و رعایت بی‌طرفی و اعتدال در بررسی نظرات و عدم جانبداری از نظری خاص هم است.

بررسی تاریخی رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی و تکرار آن تقریباً در تمام فصول کتاب اگرچه نوعی نقطه قوت محسوب می‌شود و اسباب آشنایی بیشتر خواننده اثر را با متفکران و اندیشمندان رشته و نیز میزان تأثیرگذاری آنها بر فلسفه رشته را فراهم آورده و در گنجینه ذهن خواننده نهادینه می‌سازد، تکرار بیش از حد آن خسته‌کننده است و از جذابیت کتاب برای مطالعه می‌کاهد.

از دیگر مزایای کتاب مبحث «تحلیل و نتیجه‌گیری» در پایان هر فصل است که ابزار مهمی برای خواننده شتاب‌زده و در عین حال متکی بر اصول خواندن اطلاعات علمی است و به او در مطالعه سریع و جمع‌بندی کلی مباحث مطرح در کتاب کمک شایان توجهی می‌کند.

کاستی‌ها

آنچه در سطور بالا از نظر گذشت مجموعه‌ای از نکات برجسته و مفید کتاب بود اما در کنار این نقاط قوت، مسائل و ضعف‌هایی نیز وجود دارند که گزارش آنها هم خالی از فایده نیست و شاید در مطالعه و فهم مطالب کتاب برای خواننده مؤثر واقع شوند و چه بسا در رفع کاستی‌های احتمالی در ویرایش بعدی کتاب موردتوجه نویسنده واقع شوند که به‌طور خلاصه عبارتند از:

۱. هرچند که مؤلف در طرح موضوعات و مباحث کتاب بی‌طرفی را رعایت کرده و برای مثال در مبحث تاریخ کتابخانه‌ها کوشیده است تا تاریخ کتابخانه‌ها در تمام جهان را به‌رشته تحریر درآورد و مجموع مباحث فصل دوم نیز نشان‌دهنده مشارکت تمام تمدن‌های گذشته بشر و تأثیر شگرف و بی‌نظیر نقش کتابخانه در تحولات فرهنگی و اجتماعی جهان و تشکیل فرهنگ و تمدن فعلی جهان است. با این همه، در قیاس با فرهنگ و تمدن غربی، به فرهنگ و تمدن ایرانی و نقش مفاخر و آثار آنها در تمدن جهانی کمتر پرداخته شده است. از

لازم می‌نمود که محتوای اثر از نظر نگارشی به شکلی تدوین گردد که مباحث کتاب را به زبانی نسبتاً ساده بازگو کند تا فهم تاریخ، مفاهیم، نظریات، اصول و قوانین و مسائل و رخدادهای آن به سهولت صورت پذیرد

عبارتهایی به کار برده است که به دلیل ناآشنایی مخاطب یا رایج نبودن آنها در ادبیات رشته، خود این واژه‌ها و عبارتها برای تسهیل درک مفاهیم نیازمند تعریف هستند. واژه‌ها و عبارتهایی چون «مهندسی جامعه» (ص ۱۳۱) و علوم «سخت» (ص ۱۲۹) از آن جمله‌اند و مواردی از این دست کم‌وبیش در سرتاسر کتاب مشاهده می‌شود.

۴. از مباحثی که جای آن خالی احساس می‌شود و به دلیل کم‌توجهی یا گرایش کمتر مؤلفان آثار فارسی به طرح آن، انتظار می‌رفت در کانون توجه بیشتر مؤلف اثر قرار گیرد، مبحث نظریات مربوط به رشته است که تکرار آنها در متون مختلف و نیز بیان بحث و نظرهای متفاوت، در شناخت و تقویت اعتبار اجتماعی و هویت رشته در میان متخصصان حرفه‌ای و نیز در میان سایر علوم در کشور کمک مؤثری می‌نماید. اگرچه نویسنده در فصل پنجم کتاب برخی از نظریات اصلی را خلاصه‌وار بیان می‌کند، با این همه در مقایسه با سایر مباحث کتاب به‌ویژه بخش تاریخ رشته، این مبحث کم‌حجم‌تر، کم‌رنگ‌تر و گاهی ابهام‌آمیز است. برای نمونه، در صفحه ۱۳۱ در توضیح «نظریه اطلاعات شانون - ویور» بی‌آنکه پیش‌زمینه و چارچوب کلی نظریه برای خواننده ناآشنا بیان شود تا با کلیات نظریه آشنا شود، توضیح درباره تأثیرگذاری و تفسیر نظریه شانون بر این نظریه آمده است که درک آن چندان ساده نیست. نمونه‌ای دیگر از این نوع را در این جمله می‌توان دید:

او بر آن بود که اگر پیش‌فرض‌های محدودکننده شانون را ندیده بگیریم و نظریه او از حد مسائل فنی انتقال علائم فراتر رود، محتمل است که مبنای پیشرفت‌هایی در «مهندسی جامعه» قرار گیرد و حتی دامنه پیشرفت آن از آنچه در دوره جنگ جهانی دوم و پس از آن برای مهندسی الکترونیک پدید آمد، نیز گسترده‌تر شود.

در این جمله نه تنها علامت گیومه‌ای که قبل از واژه «اگر» باز شده است، در جایی بسته نمی‌شود، بلکه عبارت «پیش‌فرض‌های محدودکننده شانون» در جمله این تصور را به وجود می‌آورد که خواننده کتاب یا باید با این پیش‌فرض‌های محدودکننده از قبل آشنایی داشته باشد یا در همین متن با آنها آشنا شود تا در خواندن بقیه متن و درک کامل مفهوم نظریه مشکلی برای او پدید نیاید. بنابراین، چه بسا مناسب‌تر بود که نویسنده خود برای آشنایی خواننده ناآشنا با این مفاهیم، ابتدا به بیان پیش‌فرض‌های

محدودکننده شانون در بخش «نظریه ریاضی ارتباطات شانون» یا ابتدای همین مبحث، نظیر توضیحاتی که در بحث «نظریه سیبرنتیکی اطلاعات» ارائه شده است، بپردازد. به علاوه، اشاره به کارکردهای احتمالی هریک از نظریه‌ها در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی می‌توانست مفید و مؤثر واقع شود که جای آن در نگارش نظریات خالی است.

۵. نویسنده کتاب در چند بخش از فصل‌های مختلف به شکل‌گیری و ایجاد رشته علمی کتابداری اشاره می‌کند و عموماً این پدیده در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی را مصادف با تأسیس نخستین مدرسه کتابداری در دانشگاه کلمبیا برمی‌شمارد (ص ۲۶، ۵۵، ۱۴۹). وی در واقع بر آن است که برای کسب مجوز علمی بودن رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی، پایه‌های شکل‌گیری آن را به دنیای غرب و به‌ویژه کشور آمریکا و فعالیت‌های علمی در سده‌های اخیر محدود می‌سازد. در حالی که شواهد موجود و به‌ویژه شواهد برشمرده در خود اثر نیز نشان می‌دهد که رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی از همان دوران باستان با علم، دانشمندان و روند علمی قرین و همراه بوده است و محدودساختن علمی بودن رشته به یکی دو سده اخیر نگاه چندان درستی نیست. اشاره به تمدن‌ها، مکان‌ها و دوره‌هایی از تاریخ درخشان علمی تمدن بشری و بسط و گسترش پژوهشگاه‌ها و مراکز علمی در درون هریک از این دوره‌های تمدن ساز و وجود کتابخانه‌ها و کتابداران در تمام این دوره‌ها نشان‌دهنده وجود آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی است که به اقتضای زمان و فناوری‌های موجود احتمالاً به شیوه‌های متفاوتی صورت گرفته و دست به دست شده است و به‌طور طبیعی یکی از این دوره‌های مهم و تأثیرگذار در رشته عصر نوزایی و انقلاب صنعتی بوده که موجب تحولات گسترده‌ای در این رشته علمی شده است. شاهد این مدعا پرسشی است که نویسنده تحت عنوان «اما آیا کسانی که تاریخ تمدن بشر را نوشته‌اند و تخصصشان کتابداری نبوده، اصولاً متوجه نقش‌های نامرئی بسیاری از مغزهای متفکر این رشته شده‌اند؟» در صفحه ۵۵ مطرح ساخته است.

۶. تفسیر نویسنده از «کار اطلاع‌رسانی» به نقل از وال به لحاظ انگیزشی و به کارگیری آموخته‌ها ظاهراً متضاد با نظر وال بر مبنای شکل ارائه شده در صفحه ۱۶۳ کتاب است. چنانکه در شکل مربوط به کار اطلاع‌رسانی ملاحظه می‌شود به لحاظ انگیزش کار

منتسب به علم اطلاع‌رسانی «باور به حق دستیابی همگان به اطلاعات» است، در حالی که کار منتسب به علم کتابداری «تعهد به ایجاد ارزش افزوده در سازمان مادر» بیان شده است که این درست در تضاد با تفسیری است که مؤلف کتاب در بند ۲ و ۳ صفحه ۱۶۴ نقل کرده است. بند دوم صفحه ۱۶۴ کتاب به‌عنوان شاهد ذکر می‌شود: «۲. به‌لحاظ انگیزشی، کتابداران به اطلاعات از این منظر می‌نگرند که چون همه انسان‌ها حق دستیابی به اطلاعات دارند و از این نظر برابرند، بنابراین کار آنان این است که حداکثر تلاش را برای پاسخ‌گویی و تحقق این حق طبیعی به‌کاربرند، در حالی که انگیزه متخصصان اطلاع‌رسانی، بیشتر معطوف به برآوردن نیازهای اطلاعاتی متخصصان در سازمان‌های مادر است و بیشتر به ویژگی ارزش افزوده اطلاعات توجه می‌شود تا حقوق انسان‌ها برای دستیابی برابر به اطلاعات».

۷. سرفصل «ساختار منابع اطلاعاتی» (ص ۲۴۹) مفهوم کلی مطرح در متن مربوط را بیان نمی‌کند و خواننده ممکن است با خواندن سرفصل چنین استنباط کند که مطالب این سرفصل، ساختاری از منابع اطلاعاتی را عرضه خواهد کرد، اما آنچه از خواندن متن استنباط می‌شود، شرح خود نویسنده در جمله «منابع اطلاعاتی به‌منزله یک ساختار در ارتباط با سازمان و نهاد اطلاع‌رسانی» است. بنابراین پیشنهاد می‌شود در ویرایش کتاب این سرفصل به «منابع اطلاعاتی به‌منزله ساختار» تغییر کند.

۸. در سرفصل «هدف کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی» در صفحه ۲۴۹ مؤلف سه هدف اطلاع‌رسانی، آموزشی و فرهنگی را هدف‌های کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی برمی‌شمارد و به‌نظر می‌رسد که هدف «پژوهشی» و به‌نوعی هدف «سرگرمی» در این نوشته مغفول مانده است. چنانکه در زیر بند دوم تحت عنوان هدف آموزشی، هدف کتابخانه‌های تخصصی را نیز هدف آموزشی برشمرده‌اند، در حالی که هدف عمده کتابخانه‌های تخصصی بیش از آنکه آموزشی باشد، پژوهشی است. مطالبی که در بخش مرور متون کتابداری و اطلاع‌رسانی در صفحات ۲۶۲ و ۲۶۳ به‌نقل از مک مولن و هینز و نیز از موکهرجی بیان شده است، مؤید این سخن است که در اولی هدف «پژوهش» کتابخانه و در دومی هدف «سرگرمی» از جمله هدف‌های کتابخانه‌ها دانسته شده‌اند. با توجه به استفاده مؤلف از رویکردهای توصیف تجویز‌گرایانه و تحلیلی پژوهش تاریخی انتظار نمی‌رود

هدف‌هایی را که در متون فلسفه کتابداری و اطلاع‌رسانی از آنها نام برده شده است، در مجموعه هدف‌های رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی جای نداده و نامی از آنها نبرد. با این حال شاید هدف «سرگرمی» به‌نوعی در هدف «فرهنگی» موردنظر نویسنده به‌صورت ضمنی منظور شده باشد.

۹. به‌دلیل گستره و دامنه وسیع کاربرد مفاهیم نظری رشته در اثر، به‌ویژه اینکه بخش اول خود از نظر ساختار کتاب مقدمه بخش دوم آن محسوب می‌شود و در درک مفاهیم و اندیشه‌های مطرح‌شده در بخش دوم حائز اهمیت است، یادآوری دو نکته زیر خالی از لطف نیست. اول اینکه تعاریف اساسی که به درک پیام‌های اثر کمک می‌کند، بسیار با تأخیر و به‌طور عام در فصل ۱۱ یعنی در پنجمین فصل بخش دوم به‌صورت جمع‌بندی مباحث پیشین عرضه شده است. جاداشت این تعاریف در قسمت مقدماتی بخش اول اثر قرار می‌گرفت تا خواننده به‌گونه‌ای با واژگان مرتبط و مفاهیم آنها در ابتدای اثر آشنا شود و با این آشنایی قبلی به مطالعه کتاب بپردازد. نکته دوم اینکه با دامنه وسیع واژگان مؤلف در نگارش اثر و توانایی و تسلط وی در ساختن واژه‌هایی نو و هدفی که از نگارش کتاب انتظار می‌رود که گسترش دادن دامنه مفاهیم در میان مخاطبان است، جای تعجب دارد که چرا در استفاده از واژه‌های فارسی برای برابرهای انگلیسی موجود در متون به زبان انگلیسی به‌قدر کافی تلاش نشده است و اغلب آوانویسی واژه‌های انگلیسی به فارسی به‌عنوان برابرهای فارسی واژه‌ها در متن کتاب به‌کاررفته است. نمونه‌هایی از این برابر واژه‌ها که نویسنده حتی توانسته است مفاهیم آنها را به‌درستی به خواننده منتقل نماید، عبارتند از: سوژه، اثره، پارادایم، هرمنوتیک و جز آن. در بعضی موارد نیز برابرهای فارسی نه‌چندان درخور به‌چشم می‌خورد و از آن جمله می‌توان به واژه «یک‌تائگر» به‌عنوان برابر فارسی واژه انگلیسی "monistic" در مقابل واژه «کل‌نگر» اشاره کرد که شاید استفاده از واژه «جزء‌نگر» یا «خردنگر» مناسب‌تر و مصطلح‌تر باشد. واژه خوانش‌ها در صفحه ۱ کتاب هم در زبان فارسی مصطلح نیست. در واقع این واژه ترکیبی از «خوان» (ریشه واژه خواندن) و «ش» پسوند اسم مصدر است که همانند آفرینش، پرورش و آموزش به ریشه مضارع فعل می‌پیوندد و نظیر معنای سه واژه مذکور که آفریدن، پروردن و آموختن است، مفهوم خواندن می‌دهد. اگرچه ساختن چنین واژه‌ای از نظر ساختاری نادرست نیست، واژه مصطلح‌تر در زبان فارسی خواندن است که می‌توانست به‌صورت جمع در شکل خواندنی‌ها به‌کاررود. واژه اندیشگی

فلسفه کتابداری و اطلاع‌رسانی

• دکتر یزدان منصوریان

عضو هیئت علمی گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی
دانشگاه تربیت معلم تهران

شاید متداول‌ترین و در عین حال دشوارترین پرسشی که کتابداران و مدرسان کتابداری ناگزیرند به آن پاسخ گویند، پرسش درباره مفهوم این رشته، کاربردش و رابطه آن با اطلاع‌رسانی باشد. این سؤال چندوجهی و چالش‌برانگیز معمولاً از سوی غیرکتابداران و دانشجویان کتابداری مطرح می‌شود. انگیزه گروه اول از طرح این پرسش معمولاً کنجکاوای شخصی است، اما برای گروه دوم این موضوع اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا منزلت اجتماعی و آینده شغلی آنان در گرو یافتن پاسخی مناسب برای آن است.

در همایش‌ها و نشست‌های متعددی شاهد بوده‌ام که بسیاری از دانشجویان، به‌ویژه دانشجویان سال‌های نخست، با شور و شوق فراوانی از استادان کتابداری و کتابداران باتجربه درباره ماهیت این رشته و معنا و مفهوم آن می‌پرسیدند. اما به‌نظر می‌رسد که پاسخ‌های ارائه‌شده برای آنان چندان روشن و قانع‌کننده نیست و حتی گاهی بر ابهامشان نیز می‌افزاید. نتیجه این سردرگمی باعث شده که گروهی از آنان درصدد تغییر نام کتابداری باشند. در یکی از همایش‌های دانشجویی سال گذشته (۱۳۸۶) نیز طوماری با ده‌ها امضا دیدم که امضاکنندگان خواستار تغییر نام رشته بودند تا شاید بتوانند از این طریق منزلت و نام و نشان تازه‌ای برای آن فراهم کنند. اما به‌نظرم این اقدام نه‌تنها مشکلی را حل نخواهد کرد، بلکه بر مشکل فعلی نیز خواهد افزود. زیرا در این صورت ناچاریم آن نام و نشان نوظهور را تعریف کنیم و این خود تبدیل به

در عبارت «زندگی اندیشگی‌ام» نیز از این نوع است. مطابق فرهنگ فشرده زبان فارسی «گی» پسوندی است که حاصل مصدر می‌سازد و به معنای «بودن» است. چنانکه واژه پنهانگی به مفهوم پنهان بودن، تشنگی به معنای تشنه بودن و گرسنگی به مفهوم گرسنه بودن است. اما واژه اندیشگی که در واقع ترکیب واژه «اندیشه» و پسوند «گی» است و در صفحه ۳ کتاب به کار رفته است، دارای پسوند زاید «گی» است و چنین معنا و مفهومی را به ذهن متبادر نمی‌سازد، بلکه به معنای تفکر و اندیشه کردن است که معمولاً با افزودن پسوند مصدری «یدن» به ریشه فعل، از آن مصدر می‌سازد. از این رو به جای واژه اندیشگی، واژه اندیشیدن به‌طور معمول در متون فارسی به کار می‌رود، بنابراین به جای عبارت «زندگی اندیشگی‌ام» مناسب‌تر بود که نویسنده برای مثال از عبارت «زندگی اندیشیدنم» یا «زندگی فکری‌ام» استفاده کند. به همین ترتیب بهتر بود که به جای واژه‌های ریسک، رالیسم یا رئالیسم، تئوریزه کردن، پازل به ترتیب از واژه‌های خطر، حقیقت‌گرایی یا واقع‌گرایی، نظریه‌پردازی، و معما استفاده کند.

۱۰. گاهی اشتباه در استفاده از اختصارات، آوانویسی و حروف چینی و چاپ مشاهده می‌شود. برای مثال اختصار فارسی برای سازمان تولیدکننده اینترنت در صفحه ۵۶ «دارپ» به کار رفته است که در اصل «آرپا» یا «دارپا» است. به‌نظر می‌رسد آوانویسی نام R. Krzys به صورت «کشیس» در صفحه ۲۶۵ درست نباشد و «کرزیس» صورت صحیح آن باشد و آوانویسی Foster به دو صورت «فاستر» و «فوستر» هم در صفحه‌ای واحد از کتاب یعنی صفحه ۲۶۷ از جمله اشکالات آوانویسی هستند. از اشکالات چاپی می‌توان به روی هم افتادن حروف انگلیسی در پانویس‌های صفحه ۶۱ و اشتباهات حروف چینی از جمله درج اشتباه عدد ۱۳۴۸ (ص ۱۳۱) به جای ۱۹۴۸، و نیز ۱۸۸۱ (ص ۲۷۱) به جای ۱۹۸۱ اشاره کرد.

منابع و مأخذ

۱. حری، عباس (۱۳۸۶). «از اطلاعات تا کوانتیم»، کتاب ماه کلیات، س ۱۱، ش ۱ و ۲، ص ۵۶.
۲. عقیلی، وحید (۱۳۸۶). «از اطلاعات تا کوانتیم»، کتاب ماه کلیات، س ۱۱، ش ۱ و ۲، ص ۵۷.
۳. بنی‌اقبال، ناهید (۱۳۸۵). انگلیسی کتابداری و اطلاع‌رسانی برای آمادگی آزمون ورودی دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری، تهران: دانشگاه تهران، ص ۱.

در صفحه ۲۴۹ مؤلف سه هدف اطلاع‌رسانی، آموزشی و فرهنگی را هدف‌های کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی برمی‌شمارد و به‌نظر می‌رسد که هدف «پژوهشی» و به‌نوعی هدف «سرگرمی» در این نوشته مغفول مانده است



کتاب حاضر پژوهشی
تاریخی با رویکرد
کیفی و مبتنی بر مفاهیم
فلسفی است که متن
منسجم و مستند آن
نشان از علاقه‌مندی
مؤلف به موضوع کتاب و
جست‌وجوی فراوان وی
در منابع مرتبط دارد

معضل جدیدی خواهد شد. هنگامی که ما در تعریف این رشته با قرن‌ها سابقه در عرصه عمل، بیش از یک قرن حضور به‌عنوان یک رشته مستقل دانشگاهی در دنیا، و چهل سال کارنامه تدریس دانشگاهی در ایران با دشواری مواجه هستیم، چگونه می‌توانیم تعریف قابل‌قبولی از عنوان جدید آن ارائه کنیم! بنابراین برای مواجهه اصولی با این پرسش شاید بهتر باشد به تأمل بیشتر در گذشته این رشته، نقش آن در گسترش اندیشه‌های بشری، تعاملی که با سایر علوم دارد، و توان بالقوه آن در تعامل با جامعه پرشتاب امروز بپردازیم. این شیوه همان شیوه‌ای است که نویسنده کتاب فلسفه کتابداری و اطلاع‌رسانی در تدوین این اثر اتخاذ کرده است و از این‌رو می‌تواند در پاسخ‌گویی به بسیاری از پرسش‌های اساسی درباره ماهیت و عملکرد این رشته مفید باشد.

کتاب حاضر پژوهشی تاریخی با رویکرد کیفی و مبتنی بر مفاهیم فلسفی است که متن منسجم و مستند آن نشان از علاقه‌مندی مؤلف به موضوع کتاب و جست‌وجوی فراوان وی در منابع مرتبط دارد. محتوای این کتاب و ساختار آن به‌گونه‌ای است که بیش از آنکه در صدد اقناع خواننده برای پذیرش اندیشه نویسنده باشد، او را به اندیشیدن و مطالعه بیشتر درخصوص مباحث مطرح‌شده دعوت می‌کند. چراکه خود کتاب نیز حاصل نوعی تلاش در همین زمینه است. نویسنده کتاب طی مصاحبه‌ای در بیان اهدافش از تألیف این اثر ضمن

آنکه به علاقه‌مندی شخصی خود به پژوهش‌های کیفی اشاره می‌کند، هدف اصلی را از نظر حرفه‌ای پرکردن خلأ موجود در آثار کتابداری و اطلاع‌رسانی داخل و خارج از کشور در پرداختن به پرسش‌های چالش‌برانگیز این رشته معرفی می‌کند (رهادوست، ۱۳۸۷، ص ۱۲). البته محتوا و ساختار کتاب که در ادامه معرفی می‌شود، نشان می‌دهد که اثر حاضر تا حد قابل‌توجهی در تحقق این هدف موفق بوده است.

کاستی‌ها و دشواری‌ها

در بیان کاستی‌های این اثر ذکر چند نکته ضروری است. نکته اول اینک شاید ماهیت موضوع بحث کتاب نویسنده را ناچار به ارائه اثری کاملاً متنی^۱ کرده است. شاید اگر نویسنده می‌توانست بعضی از مقایسه‌ها را در قالب جدول نشان دهد (مانند آنچه در صفحه ۱۶۳ آمده) خواندن متن آسان‌تر می‌شد. ممکن است برای خواننده کم حوصله این روزگار مطالعه کتابی با ۴۹۰ صفحه متن کمی دشوار و خسته‌کننده باشد.

نکته دوم دشواری در جست‌وجوی پانویس‌ها و یادداشت‌هاست. ذکر پانویس‌ها در پایان هر فصل به‌سهولت مطالعه کتاب آسیب می‌زند، زیرا خواننده مجبور است پیوسته به انتهای هر فصل مراجعه کند و حجیم‌بودن کتاب کمی این جست‌وجو را مشکل می‌سازد. برای مثال در صفحه ۱۲۰ با واژه «فراعلم»^۲ روبه‌رو می‌شویم و برای یافتن مترادف انگلیسی آن باید

در مجموع کتاب حاضر اثر ارزشمندی است و مطالعه آن می‌تواند برای کتابداران، مدیران کتابخانه‌ها، دانشجویان و مدرسان کتابداری مفید باشد

به صفحه ۱۴۲ مراجعه کنیم. این مشکل در سراسر کتاب وجود دارد و به دلیل وجود استنادهای مکرر در متن به پانویس‌ها و یادداشت‌های آخر فصل‌ها در مجموع دنبال کردن بحث‌ها مشکل می‌شود.

در ضمن یکی از شیوه‌های استناددهی درون‌متنی مانند شیوه‌ای. پی. ای^۳ نیز برای این کتاب مناسب‌تر به نظر می‌رسد، زیرا خواننده به سرعت و سهولت می‌تواند بین متن و استنادها ارتباط برقرار کند و از مراجعه مکرر به انتهای فصل‌ها بی‌نیاز می‌شود. برای مثال در صفحه ۲۹۸ در تعریف واژه پارادایم از منبعی استفاده شده که فقط با ذکر شماره ۴۶ نشان داده می‌شود و خواننده برای یافتن آن مجبور است به صفحه ۳۱۸ مراجعه کند و دریابد که تعریف ارائه‌شده از ویکی‌پدیا گرفته شده است که البته استناد به ویکی‌پدیا نیز در مواردی که منابع مستندتری هست، خود جای بحث دارد. همان‌طور که مشاهده می‌شود اشکالات ذکر شده در اینجا بیش از آنکه متوجه محتوای کتاب باشد، به چگونگی تدوین آن مربوط می‌شود و از ارزش علمی آن نمی‌کاهد.

نظر کلی درباره کتاب

در مجموع به نظر نگارنده این سطور کتاب حاضر از چند جنبه قابل توجه است. نخست آنکه یکی از معدود آثار فارسی موجود در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی است که به حق عنوان «تالیف» را با خود دارد. زیرا بسیاری از آثار تألیفی در این رشته، به‌ویژه در سال‌های اخیر، بیش از آنکه تألیف باشند، یا ترجمه‌اند یا گردآوری. نکته دیگر رویکرد پژوهشی کتاب است که نشان می‌دهد نویسنده نسبت به اصول و قواعد پژوهش در کل و پژوهش‌های کیفی به طور خاص کاملاً آگاه بوده و این اصول را در تدوین اثر خود به‌خوبی به کار گرفته است. بنابراین، کتاب فلسفه کتابداری و اطلاع‌رسانی یک اثر تألیفی با رویکرد پژوهشی و تحلیلی است و همین دو ویژگی کافی است که آن را در میان آثار موجود ممتاز سازد. امتیاز دیگر این کتاب نگاه میان‌رشته‌ای و

کل‌نگر^۴ مؤلف اثر به حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی است. نگاهی که به اعتقاد اینجانب ضامن بقا و پویایی این رشته است. تصویر روی جلد کتاب نیز همین نگاه را به‌خوبی نشان می‌دهد و مقدمه کتاب نیز با اشاره به پروژه بوینک^۵ نشانه دیگری از همین نگاه است.

ویژگی دیگری که بر ارزش این اثر می‌افزاید، گستردگی و عمق توجه آن به آثار مرتبط با این حوزه در داخل و خارج از کشور است. نویسنده در جایی از کتاب بزرگ‌ترین دشواری خود را در تألیف این اثر دستیابی به منابع موردنیازش معرفی می‌کند و بدیهی است که با توجه به انگیزه وی از دسترسی به بیشترین منابع مرتبط از سویی و کمبود و پراکندگی منابع موجود در کتابخانه‌ها و مراکز مختلف از سوی دیگر این دشواری کاملاً ملموس است. با این حال این محدودیت مانع از گستردگی نگاه نویسنده و احاطه او به منابع گوناگون نشده است.

نکته مهم دیگر در خصوص این اثر رویکرد تحلیلی آن به شباهت‌ها و تفاوت‌های «کتابداری» و «اطلاع‌رسانی» و اشاره به غلط رایج مترادف‌شمردن «اطلاع‌رسانی» و «خبررسانی» در جامعه ماست. اشتباهی که منشأ بسیاری از اشتباهات و برداشت‌های نادرست درباره این رشته است. در مجموع کتاب حاضر اثر ارزشمندی است و مطالعه آن می‌تواند برای کتابداران، مدیران کتابخانه‌ها، دانشجویان و مدرسان کتابداری مفید باشد.

پی‌نوشت‌ها:

1. Textual
2. Metascience
3. American Psychological Association (APA)
4. Interdisciplinary and Holistic Approach
5. Berkeley Open Infrastructure for Network Computing (BOINC)

منبع

– رهادوست، فاطمه (۱۳۸۷). «تیشه کتابداری در بیستون اطلاع‌رسانی، همشهری، اول آریه‌هشت ۱۳۸۷، ص ۱۲